

ترکیب حمایت‌های دولتی، شهریه‌های متناسب و سرمایه‌گذاری‌های هدفمند مسیر دانشگاه‌های موفق در تأمین مالی بوده است

مخارج دانشگاه‌های دولتی را مأموریت محور کنید



زهرا رمضانی
نایب‌رئیس‌کلان دانشگاه

تلاش برای همخوانی دخل و خرج دانشگاه‌های دولتی دغدغه‌همیشگی مسئولان آموزش عالی بوده است. موضوعی که طی سال‌های اخیر هم با توجه به شرایط نابسامان اقتصادی و بالا رفتن هزینه‌ها، بیش از پیش هم شده است. وابستگی دانشگاه‌های دولتی به درآمدهای نفتی کشور، باعث شده روسای دانشگاهی به اندازه افزایش تورم، انتظار افزایش منابع مالی دولتی را داشته باشند. با وجود اینکه طی سال‌های اخیر همیشه صحبت از کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به منابع دولتی مطرح و رئیس‌جمهور نیز در اولین سال حضور در ریاستور این مهم را از رؤسا مطالبه کرده بود، اما در عمل عزمی برای تغییر این مسیر هم از سوی مسئولان آموزش عالی و روسای دانشگاهی وجود ندارد. از

طرف دیگر نگاهی به هزینه‌کرد دانشگاه‌ها و همچنین اظهارنظرهای مسئولان سابق وزارت علوم نشان می‌دهد ۹۰ درصد منابع مالی دولتی صرف حقوق و دستمزد پرسنل می‌شود. سهم بزرگی از یکب بودجه هر دانشگاه که دلیلی شده تا دانشگاه‌ها نتوانند در دیگر حوزه‌ها مانند پژوهش، رفاهی، توسعه زیرساخت‌های آموزشی آن‌طور که باید هزینه کنند. مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور هم تابستان امسال در گزارشی با عنوان «بررسی نظام تأمین مالی دانشگاه‌ها: واقعیت‌ها، الگوها و الزامات سیاستی برای ایران» به نحوه هزینه‌کرد دانشگاه‌های کشور و مقایسه آن‌ها با دیگر کشورها پرداخته و دلیل تفاوت وضعیت دانشگاه‌های ایران با مراکز آموزش عالی مطرح دنیا را در نبود اختیارات مدیریتی در حوزه نظام تأمین مالی عنوان کرده و آن را دلیلی برای عدم تنوع‌بخشی به منابع مالی و نبود پاسخگویی مؤثر به نیازهای علمی و پژوهشی از سوی دانشگاه‌های کشور دانسته است.

بودجه آموزش عالی سنگاپور ۴ برابر ایران!

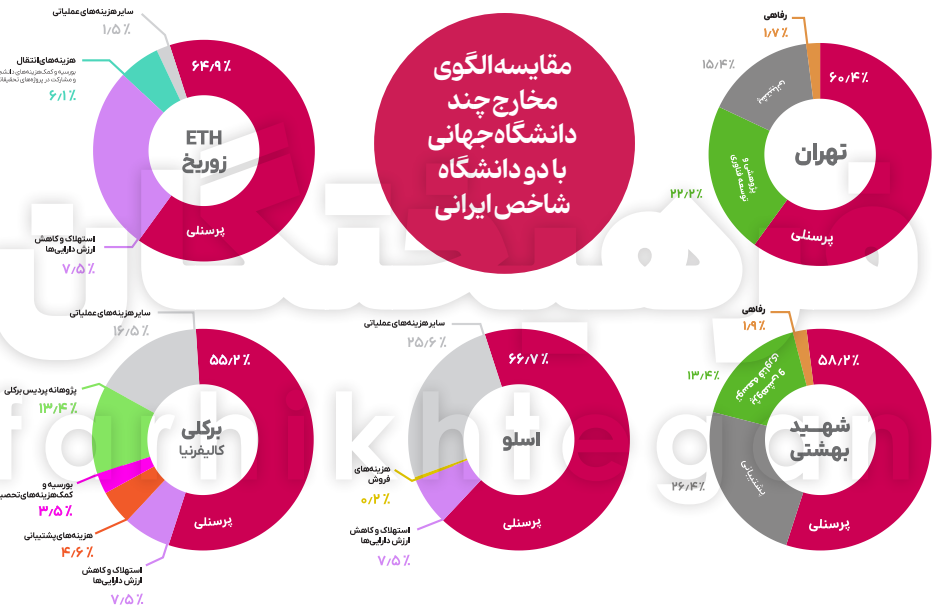
اولین مسئله در حوزه آموزش عالی کشور را باید عدم تناسب بودجه تخصیص‌یافته با نیازهای این حوزه دانست. قطعاً هر چه بودجه بیشتری به این حوزه تخصیص پیدا کند، می‌توان انتظار رقم خوردن اتفاقات مثبت در حوزه‌های آموزش و پژوهش داشت. مقایسه وضعیت بودجه کل آموزش عالی ایران با کشورهایی مانند سنگاپور، فنلاند، دانمارک، سوئد، نروژ، ترکیه، سوئیس، هلند و کانادا نشان‌دهنده فاصله معناداری بودجه ایران با این کشورهاست. به طوری که کشور سنگاپور با بودجه ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار در حالی که در قیاس با دیگر کشورها هم دارای

حقوق؛ اولین مقصد مخارج دانشگاه‌ها

نگاهی جزئی‌تر به ریز هزینه‌کرد دانشگاه‌ها، نشان می‌دهد سسختی بین مأموریت‌هایی که برای دانشگاه‌ها تعریف شده با نحوه تقسیم یک بودجه‌ای آن‌ها وجود ندارد؛ چراکه الگوی هزینه‌کرد دانشگاه‌هایی مانند تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی علم و صنعت و امیرکبیر حاکی است که به صورت میانگین این دانشگاه‌ها ۶۳ درصد از منابع‌شان را صرف حقوق پرسنل (شامل حقوق و رفاهیات اعضای علمی هیئت و غیر علمی) می‌کنند. در این میان دانشگاه علامه طباطبایی با ۷۹ درصد در جایگاه اول و بعد از آن دانشگاه علم و صنعت با ۶۱٫۱ درصد در جایگاه دوم قرار گرفته است. در مقابل سهم هزینه‌های رفاهی مرتبط با دانشجویان کمترین سهم را از بودجه دارد. به طوری که این میزان برای دانشگاه تهران به ۹٫۹ درصد و علامه طباطبایی به ۱٫۶ درصد می‌رسد.

۵۰ درصد بودجه دانشگاه‌های اسکاندیناوی و آمریکایی هم به حقوق رسید

وقتی روند هزینه‌کرد دانشگاه‌های شهید بهشتی و تهران را در کنار ۴ دانشگاه خارجی مدنظر این گزارش می‌گذاریم، به نکات قابل توجهی می‌رسیم. با وجود اینکه همه آن‌ها بیش از ۵۰ درصد منابع‌شان را صرف حقوق و رفاهیات پرسنل می‌کنند، اما دانشگاه‌های خارجی سهمی بیش از ۵ درصدی را برای استهلاک و کاهش ارزش دارایی‌ها در نظر می‌گیرند، سهمی که در دو دانشگاهی ایرانی عملاً صفر است، موضوعی که باعث شده تا امروز تعمیر و



۵ محدودیت دانشگاه‌های ایران در مدیریت مخارج منابع

جذب، استخدام و تعیین حقوق و مزایای اعضای هیئت علمی و کارکنان خود نداشتن و همین مسئله انعطاف را از آن‌ها در حوزه پرداخت حقوق به پرسنل خود گرفته است. دست بسته دانشگاه‌ها در تنظیم و تخصیص بودجه آن هم بر اساس اولویت‌های راهبردی خود محدودیت نسبی است که پروانه آقایی به عنوان پژوهشگر این گزارش از آن به عنوان محدودیت در نحوه هزینه‌کرد بودجه دانشگاهی‌ها یاد می‌کند. چالش‌های ساختاری و قانونی که دانشگاه‌ها برای برقراری همکاری‌های راهبردی و اقتصادی با بخش خصوصی، جذب موفقات و استفاده از کمک‌های خیریه با آن روبه‌رو هستند هم یکی دیگر از محدودیت‌های مراکز آموزش عالی کشور برای مدیریت هزینه‌کرد منابع مالی‌شان به حساب می‌آید. محدودیت‌هایی که دانشگاه‌ها در تعیین شهریه‌ها، ایجاد رشته‌های جدید و یا طراحی برنامه‌های آموزشی و پژوهشی متناسب با نیازهای منطقه‌ای و ملی را هم باید آخرین محدودیتی قلمداد کرد که دایره نحوه هزینه‌کرد منابع مالی را برای دانشگاه‌ها تنگ کرده است.

خرج دانشگاه‌های معروف دنیا از کجا تأمین می‌شود؟

قطعاً داشتن سبد درآمدی متفاوت می‌تواند شرایط را برای هزینه‌کرد دانشگاه‌ها تا حد زیادی بهبود ببخشد. مسئله‌ای که به نظر می‌رسد دانشگاه‌های معروف دنیا تا حد زیادی به اهمیت آن پی برده و تلاش می‌کنند تا با داشتن مسیرهای گوناگون درآمدی، وابستگی خود به دولت‌ها را کاهش دهند. به طوری که دانشگاه کپنهاگ دانمارکی، فقط ۵۴ درصد از سبد بودجه‌اش از طریق یارانه‌های دولتی تأمین می‌شود و یارانه‌ها و گرنت‌ها که شامل گرنت‌های تحقیقاتی از منابع عمومی، گرنت‌های تحقیقاتی از منابع خصوصی، یارانه‌های تحقیقاتی از اتحادیه اروپا و گرنت‌های تحقیقاتی از منابع خارجی می‌شود، سهم ۳۸ درصدی در این سبد دارد. فروش کالاها و خدمات هم ۵٫۶ درصد از سبد منابع مالی این دانشگاه را شامل می‌شود و در نهایت ۲٫۴ درصد هم شامل دیگر منابع درآمدی مانند شهریه، اجاره فضاها و تجهیزات، فروش املاک و دارایی مشهود تأمین می‌شود. اما همین دانشگاه بر اساس اهدافی که برای خود تعیین کرده از کل یک میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلار بودجه‌ای که در سال ۲۰۲۳ اختیار داشت، ۱۷ درصد منابع‌اش را صرف آموزش، ۴۷ درصد را صرف تحقیق و توسعه، ۲ درصد را صرف انتشار و تبادل دانش، ۳ درصد را صرف ارائه خدمات عمومی و مشاوره‌ای، ۱۰ درصد را صرف هزینه‌های عمومی مشترک و ۲۱ درصد را هم صرف ساختمان‌ها و عملیات‌های ساختمانی می‌کند.

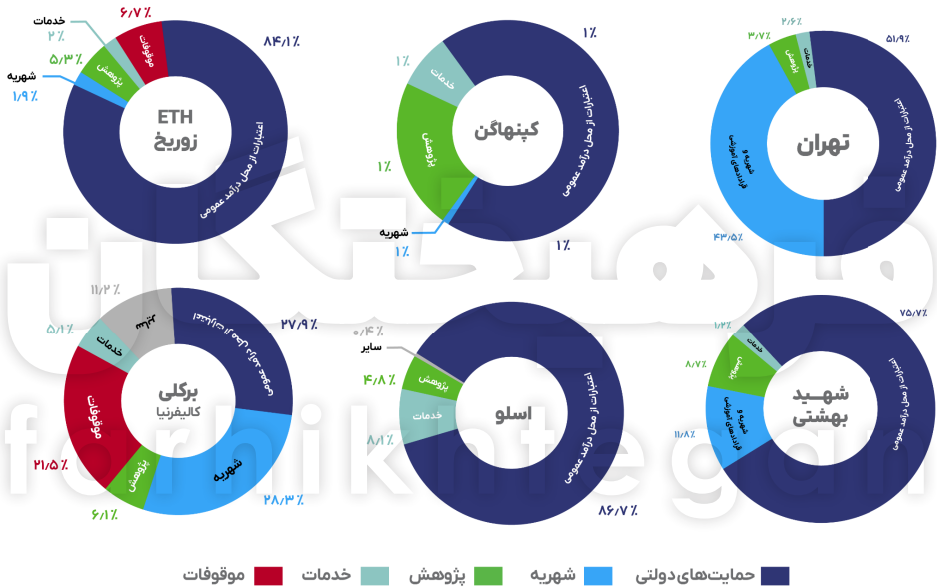
دانشگاه زوریخ سوئیس هم که سال ۲۰۲۳ در مجموع ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار درآمد عملیاتی داشت، ۶۵ درصدش را صرف هزینه‌های پرسنلی، ۲۷٫۵ درصد را صرف هزینه‌های عملیاتی (شامل هزینه‌های کالا، اجاره فضاها، هزینه‌های انرژی، هزینه‌های مشاوره)، ۶ درصد را صرف استهلاک و ۱٫۵ درصد را هم صرف هزینه‌های انتقال (شامل بورسیه و کمک هزینه به دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی و مشارکت در پروژه‌های تحقیقاتی) کرده بود.

در این بین دانشگاهی مانند هاروارد ۲ سال پیش، ۶ میلیارد تومان منابع مالی داشت که در این میان درآمدهای آموزشی، سهم ۲۲

درصدی از کل منابع مالی این دانشگاه را شامل می‌شدند و بعد از آن ۱۶ درصد نیز مربوط به سایر فعالیت‌های اقتصادی دانشگاه می‌شد. تحقیقات حمایت شده نیز سهم ۱۷ درصد و موفقات نیز سهم ۴۵ درصدی از منابع مالی داشته‌اند. به عبارت دقیق‌تر دولت تنها ۱۱٫۷ درصد از سبد درآمدی این دانشگاه را شامل می‌شد. دانشگاه برکلی کالیفرنیا نیز ۲۸ درصد از کل منابع مالی‌اش را از طریق اعتبارات دولتی تأمین می‌کند. سهم شهریه‌های دانشجویی نیز حدود ۸ درصد و موفقات نیز سهم ۲۱ درصدی دارند، همچنین درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌های دانشگاه هم به ۱۱ درصد می‌رسد.

سهم موفقات در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی: صفر!

مقایسه چگونگی تأمین مالی دانشگاه‌های ایران با برخی دانشگاه‌های اسکاندیناوی نشان می‌دهد که وجه مشترک بین همه این دانشگاه‌ها، آن است که دولت‌ها در تأمین منابع مالی آن‌ها سهم دارند؛ البته این سهم در هر دانشگاهی متفاوت است، به طوری که سهم اعتبارات دانشگاه تهران از محل منابع عمومی ۵۲ درصد و دانشگاهی مانند برکلی کالیفرنیا نیز ۲۸ درصد است. یا دانشگاهی مانند اسلو ۸۷ درصد از اعتبارات‌ش را از محل درآمدهای عمومی به دست می‌آورد و این رقم در دانشگاه شهید بهشتی به ۷۶ درصد می‌رسد. مسئله مهم در مقایسه سبد بودجه‌ای بین دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی با زوریخ، برکلی کالیفرنیا آن است که موفقات هیچ سهمی در منابع مالی این دو دانشگاه ایرانی ندارند، درحالی که سهم این حوزه در دانشگاه زوریخ به ۷ و در برکلی نیز به ۲۱٫۵ درصد می‌رسد. نکته قابل توجه آن است که سهم شهریه و قراردادهای آموزشی در دانشگاه تهران به ۲۳٫۵ درصد و در شهید بهشتی نیز ۱۲ درصد می‌رسد، درحالی که رقم درآمدزایی از این بخش در دانشگاهی مانند اسلو هیچ سهمی در سبد درآمدی ندارد و دانشگاه زوریخ هم فقط ۲ درصد از منابع‌اش را از طریق این محل تأمین می‌کند.



۲ راهبرد و ۷ پیشنهاد برای اصلاح نظام تأمین مالی و مخارج دانشگاه

رسیدن به تصویر دقیق‌تر از سبد درآمدی و نحوه هزینه‌کرد دانشگاه‌های ایران، بار دیگر این واقعیت را نمایان می‌کند که برای حفظ نظام آموزش عالی کشور آن هم در شرایط اقتصادی امروز، نیازمند تغییر الگوهای درآمدی و همچنین هزینه‌کردی در دانشگاه‌ها هستیم. مسئله‌ای که گزارش مؤسسه تحقیقات سیاست‌های علمی کشور ۲ راهبرد کلان یعنی افزایش اختیارات مدیریتی دانشگاه‌ها و اصلاح نظام تأمین مالی و الگوی هزینه‌کرد را برای بروزرفت دانشگاه‌ها از وضعیت فعلی پیشنهاد داده است. کاهش سیاست‌های دستوری و افزایش انعطاف‌پذیری دانشگاه‌ها، تقویت استقلال عمل در تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و فعالیت‌های دانش پایه، ایجاد زمینه‌های فرهنگی و قانونی برای جذب سرمایه خیریه و موفقات را باید در زمره اقداماتی دانست که تحقق آن‌ها به معنی افزایش اختیارات مدیریتی قلمداد خواهد شد. با این حال برای اصلاح

نظام تأمین مالی و همچنین تغییر الگوی هزینه‌کرد در دانشگاه‌ها در گام اول نیازمند حمایت پایدار اما هدفمند دولتی از دانشگاه‌ها هستیم. بعد از آن بازنگری در الگوی تأمین مالی تحصیلات تکمیلی و اصلاح نظام سهم‌بری دانشگاه از پروژه‌های صنعتی و پژوهشی می‌تواند زمینه را برای رسیدن به شرایط ایدئال تا حدی آماده کند و در کنار آن لازم است شاهد اجرای بهینه مصوبه مولدسازی دارایی‌های دانشگاه‌ها باشیم، البته برای تحقق هرکدام از این بخش‌ها، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و نظارت بر اجرای درست آن خواهیم بود. آنچه در این میان اهمیت بالایی دارد، آن است که مسئولان تصمیم‌گیر آموزش عالی باید جدیت بیشتری در عمل برای اصلاح نظام مالی دانشگاه‌ها داشته باشند؛ چراکه تداوم شرایط فعلی برای دانشگاه‌های کشور با توجه به وضعیت اقتصادی کشور، می‌تواند چالش‌های بیشتری را برای بخش آموزش عالی به ارغیان بیاورد.

راهبردها و اقدامات اصلاح نظام مالی و مخارج دانشگاه‌های ایران		
اقدام	برنامه	
راهبرد اول	کاهش سیاست‌های دستوری و افزایش انعطاف‌پذیری دانشگاه‌ها	راهبرد اول
	تقویت استقلال عمل در تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و فعالیت‌های دانش پایه	افزایش
	ایجاد زمینه‌های فرهنگی و قانونی برای جذب سرمایه‌های خیریه و موفقات	مدیریت
	تسهیل قوانین مرتبط با موفقات تأسیس نهادهای مستقل برای مدیریت و سرمایه‌گذاری منابع وقفی	دانشگاه‌ها
راهبرد دوم	حمایت پایدار و هدفمند دولتی	اصلاح
	بازنگری در الگوی تأمین مالی تحصیلات تکمیلی	منابع
	اصلاح نظام سهم‌بری دانشگاه از پروژه‌های صنعتی و پژوهشی	تأمین مالی
	اجرای بهینه مصوبه مولدسازی دارایی‌های دانشگاه‌ها	والگوی هزینه‌کرد